

انگیزش درونی هستند.

**۱۵) تقویت مثبت:** فرایندی است که در آن، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم کلاس اول دبستان تصمیم می‌گیرد، هر وقت دانش‌آموزان هنگام ورود به کلاس به او سلام کنند، با لبخندزدن به هنگام جواب سلام، رفتار سلام دادن آن‌ها را تقویت کند. در این مثال، معلم به تقویت‌کننده‌ی مثبت توجه دارد. نتیجه‌ی این فرایند، تثبیت رفتار سلام کردن در دانش‌آموزان خواهد بود.

**۱۶) تقویت منفی:** فرایندی است که در آن، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی بعد از رفتار، به نیرومند شدن و تکرار آن رفتار می‌انجامد.

معلم، دانش‌آموز را با ترساندن از نمره‌ی کم، به درس خواندن وامی‌دارد. در این مثال نمره‌ی کم، تقویت‌کننده‌ی منفی است. دانش‌آموز به خاطر روبه‌رو نشدن با این محرک (حذف آن)، بهتر درس می‌خواند و نتیجه‌ی این فرایند، تقویت رفتار درس خواندن در دانش‌آموز است.

**۱۷) پاداش:** پاداش را می‌توان روش تقویت مثبت دانست، اما بین این دو تفاوت اندکی وجود دارد، در پاداش دادن به افراد، هدف اصلی قدردانی و سپاس‌گزاری از اعمال گذشته‌ی آن‌هاست. اگرچه پاداش معمولاً به تکرار رفتار می‌انجامد، اما هدف از پاداش دادن، الزاماً تکرار آن رفتار در آینده نیست.

**۱۸) تنبیه:** نامطلوب‌ترین روش کاهش رفتار، تنبیه است. تنبیه، ارائه‌ی محرکی آزارنده بعد از رفتاری نامطلوب به منظور کاهش آن رفتار است. معلمی بعد از اعلام نمره‌ی کم دانش‌آموز، نارضایتی خود را با اخم کردن نشان می‌دهد تا رفتارهایی را که موجب نمره‌ی کم گرفتن می‌شوند، کاهش دهد. پدری به علت زدن حرف زشت، فرزندش را کتک می‌زند؛ با این تصور که او دیگر حرف زشت نزند.

**۱۹) مقایسه‌ی تقویت مثبت و تقویت منفی:** هم تقویت مثبت و هم تقویت منفی سبب افزایش رفتار می‌شوند؛ با این تفاوت که در تقویت

مثبت، ارائه‌ی تقویت‌کننده‌ی مثبت و در تقویت منفی، حذف تقویت‌کننده‌ی منفی به این نتیجه می‌انجامد.

دانش‌آموزی را به امید قبول شدن و کسب نمره‌های خوب و دانش‌آموز دیگری را با ترساندن از قبول نشدن، به درس خواندن وامی‌داریم. در هر دو حالت، نتیجه افزایش رفتار درس خواندن است. در اولی وجود تقویت‌کننده‌ی مثبت (قبول شدن) و در دومی تلاش برای حذف تقویت‌کننده‌ی منفی (قبول نشدن) به درس خواندن منجر می‌شود.

**۲۰) مقایسه‌ی تقویت منفی و تنبیه:** در تقویت منفی، هدف افزایش رفتار و در تنبیه، هدف کاهش رفتار است. اما در هر دو، تقویت‌کننده‌ی منفی (محرک آزارنده) وجود دارد. در تقویت منفی، تقویت‌کننده‌ی منفی حذف می‌شود تا رفتار افزایش یابد. در تنبیه، تقویت‌کننده‌ی منفی وارد عمل می‌شود تا رفتار کاهش یابد.

معلم دانش‌آموزان را تهدید می‌کند تا زمانی که نقاشی‌شان را تمام نکنند، اجازه‌ی خروج از کلاس را نخواهند داشت. ندادن اجازه‌ی خروج از کلاس، تقویت‌کننده‌ی منفی است و دانش‌آموزان تلاش می‌کنند برای حذف آن کارشان را به موقع انجام دهند. در حالتی دیگر، اگر معلم به دانش‌آموزانی که نقاشی‌شان را تمام نکرده‌اند، اجازه ندهد از کلاس خارج شوند، آن‌ها را تنبیه کرده است. ✓

## تشویق و تنبیه و کارکردهای انگیزش

**۲۱)** مردم کاری را می‌کنند که برای آن برانگیخته شده‌اند. هر معلمی می‌تواند این واقعیت را به آسانی در میان دانش‌آموزانش مشاهده کند. معلم می‌بیند که همه‌ی دانش‌آموزان به همه‌ی درس‌ها علاقه نشان نمی‌دهند. یا حتی همه‌ی موضوع‌های یک درس نیز برای دانش‌آموزان جالب نیستند. در این حالت معلم باید به یک کار انگیزشی روی آورد.

انگیزش یک موضوع شخصی نیز هست. اگر بخشی از توجهات انگیزشی معلمان به دانش‌آموزان معطوف باشد،



بخش دیگر آن باید متوجه شخصیت خودشان باشد. پس انگیزش علت رفتار هر یک از ما را روشن می‌سازد و معلوم می‌کند که چرا مردم رفتارهای گوناگونی با درجات متفاوت دارند.

**۲۲** در زندگی هر یک از ما، انگیزش می‌تواند کارکردی چند بعدی داشته باشد:

- تصورات ما را نسبت به زندگی مشخص سازد؛
- ما را به دیگران بشناساند؛
- تعیین‌کننده‌ی روابط و تعامل با دیگران باشد؛
- در انتخاب‌ها، علاقه‌ها و تصمیم‌گیری‌های ما نقش مؤثری ایفا کند؛

● تعیین‌کننده‌ی میل به پیشرفت و موفقیت در زندگی و فعالیت‌ها باشد.

در مجموع، انگیزش محور همه‌ی فعالیت‌های زندگی‌ماست و جهت‌گیری نگرش‌ها و رفتارهایمان را مشخص می‌سازد.

**۲۳** انگیزش یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت محسوب می‌شود. در هر اقدام تربیتی، انگیزش نقش اساسی دارد. این نقش حداقل از دو بعد قابل توجه است:

- شرایط انگیزشی معلمان و مربیان و تأثیر آن روی دانش‌آموزان؛
- شناخت وضعیت انگیزشی دانش‌آموزان و انتخاب روش‌های مناسب.

**۲۴** همان‌گونه که برای دانش‌آموزان باید موقعیت‌های مناسب انگیزشی فراهم آورد، معلمان نیز به انگیزش و تشویق نیاز دارند. انگیزش مناسب موجب تأمین و ارتقای سلامت روانی معلمان خواهد شد. اگر از معلمان توقع می‌رود که در مورد مسائل انگیزشی دانش‌آموزان حساس باشند، برای حفظ و تداوم انگیزش معلمان هم باید تدابیری اندیشید. به عبارت دیگر، اگر از معلم انتظار داریم فعالیت‌های عملی ویژه‌ای را در ارتباط با تشویق و تنبیه دانش‌آموزان خود به کار گیرد، خود او نیز باید در سامانه‌ای کار کند که سیاست‌های تشویقی و تنبیهی مشخصی دارد.

**۲۵** مؤلفه‌های متنوعی مانند روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری، هوش و تفکر، روش‌های آموزش،

انگیزش و سنجش و ارزش‌یابی، در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثرند. این‌که تعیین کنیم کدام مؤلفه اهمیت بیشتری دارد، کار درستی به نظر نمی‌رسد. همه‌ی مؤلفه‌ها به صورت تعاملی در فرایند آموزش و تربیت تأثیرگذار و مهم‌اند. اما نکته‌ی مهم درباره‌ی انگیزش، این است که کارکردهای آن، به آموزش و یادگیری محدود نمی‌شود.

یک انگیزش مؤثر برای پیشرفت تحصیلی، می‌تواند به سایر زمینه‌های زندگی نیز تعمیم یابد. به همین ترتیب، نادیده گرفتن اهمیت انگیزش در آموزش، ممکن است به گسترش آسیب‌های انگیزشی به زمینه‌های دیگر زندگی بینجامد. دانش‌آموزی که در مدرسه برای پیشرفت و موفقیت برانگیخته نمی‌شود یا روش‌های تشویقی - انگیزشی نامناسب در مورد او به کار می‌رود، احتمال دارد در زندگی روزمره هم دچار مشکلات انگیزشی شود و دیگر هیچ فعالیت تشویقی و تنبیهی در مورد او تأثیرگذار نباشد.

**۲۶** امروزه انگیزش فقط به اعمال روش‌های خاص تشویقی محدود نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای انگیزش را در روش‌های یادگیری می‌توان دید. در نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید یادگیری، بر نقش فعال یادگیرنده تأکید می‌شود. انگیزش دانش‌آموزان برای ایفای نقش فعال، به طور مستقیم با وظایفی در ارتباط است که از آن‌ها خواسته می‌شود در مدرسه انجام دهند.

**۲۷** یافتن روش‌های انگیزشی مناسب و به کار بردن آن‌ها، مستلزم آشنایی با نظریه‌های یادگیری و انگیزش است. این توجیه که معلمان و والدین فقط به کاربردها نیاز دارند و نظریه‌ها به درد آن‌ها نمی‌خورد، نه تنها درست نیست، بلکه در کاربرد روش‌های انگیزشی هم مشکل به وجود می‌آورد.

معلم یا مدرسه‌ای که به استفاده از روش‌های انگیزشی درونی تمایل دارد، اگر با مبانی یادگیری و آموزشی این روش‌ها آشنا باشد، حتماً به نتایج مؤثرتری خواهد رسید. بنابراین بهتر است معلمان با مبانی فلسفی و علمی روش‌های گوناگون انگیزشی، از جمله تشویق و تنبیه آشنایی کامل داشته باشند.


۲۸ انگیزش فقط یک موضوع مربوط به کلاس یا معلم نیست، بلکه موضوعی مدرسه‌ای و مدیریتی هم محسوب می‌شود. این کارکرد انگیزش از دو زاویه حائز اهمیت است:

**اول،** روش‌های انگیزشی مدرسه؛

**دوم،** میزان هماهنگی روش‌های انگیزشی مدرسه با معلمان و والدین.

بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که برای این موارد وقت بیشتری در مدرسه صرف شود.

۲۹ اگرچه انتظار می‌رود، انگیزش کارکردهای مثبتی در کلاس و مدرسه داشته باشد، اما نباید از کارکردهای منفی آن نیز غافل بود. بسیار دیده می‌شود که مدرسه یا معلم روش‌های انگیزشی خاصی را با تصور اثربخش بودن آن‌ها اعمال می‌کنند؛ اما واقعیت به گونه‌ی دیگری است. استفاده از انواع کارت‌های تشویقی، مصداقی برای این موضوع است. این نوع کارت‌ها به ظاهر می‌توانند مفید باشند، اما کارکردهای منفی هم دارند. بنابراین هر نوع سیاست تشویقی یا تنبیهی که در مدرسه اعمال می‌شود، قبل از اجرا باید به درستی آسیب‌شناسی شود و فرصت‌ها و تهدیدها، و محاسن و معایب آن تبیین شود.

۳۰ بخش مهمی از کارکردهای انگیزشی به خانواده و والدین مربوط می‌شود. هر دانش‌آموز با سابقه‌ی انگیزشی خاص خود وارد مدرسه می‌شود و مدرسه و معلمان نمی‌توانند این سابقه را نادیده بگیرند. توجه به تفاوت‌های انگیزشی دانش‌آموزان، کاربرد روش‌های مدرسه یا معلم را اثربخش‌تر خواهد کرد. از این‌رو، هماهنگی مدرسه با خانواده‌ها در روش‌های تشویقی و تنبیهی اعمال شده، مؤثر خواهد بود. 

### مبانی تشویق و تنبیه، زیر چتر انگیزش

۳۱ از لحاظ تربیتی، انگیزش هم هدف است و هم وسیله. به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوع‌های گوناگون درسی و اجتماعی علاقه نشان دهند. به عنوان وسیله، انگیزش به صورت آمادگی

روانی، یک پیش‌نیاز یادگیری شمرده می‌شود.

۳۲ در مورد مبانی انگیزش، رویکردهای متفاوتی وجود دارد که برگرفته از مکاتب علمی، فکری و مذهبی است. این رویکردها و دیدگاه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در کاربردها دارند. هر رویکرد بر مبنای خاستگاه فلسفی و روان‌شناختی خود، کاربردهای خاصی را ارائه می‌دهد. اگرچه انتظار نمی‌رود معلمان و والدین صرفاً تابع رویکرد خاصی باشند، اما آشنایی (حتی نسبی) با مبانی رویکرد، آن‌ها را در استفاده‌ی صحیح از کاربردها یاری خواهد داد. تمرکز صرف بر روش‌ها بدون آشنایی با مبانی آن‌ها، باعث کاربردهای نادرست یا ناقص می‌شود.

۳۳ رویکرد رفتارگرایی، انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌داند. در این رویکرد، مشوق‌ها منبع انگیزشی دانش‌آموزان به حساب می‌آیند. استفاده از نمره، جایزه، کارت تشویقی، رتبه‌بندی، رقابت، سرزنش و توبیخ، نمونه‌هایی از ابزارهای رایج در رویکرد رفتارگرایی هستند. این رویکرد مبتنی بر انگیزش بیرونی است.

۳۴ رویکرد رفتارگرایی در تشویق و تنبیه و فعالیت‌های انگیزشی بین مدارس و معلمان ما رواج فراوانی دارد. اما به همان نسبت که این رویکرد رایج است، به همان اندازه مبانی آن مورد غفلت قرار می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از روش‌های مبتنی بر رفتارگرایی به صورت نادرست یا معیوب به کار گرفته می‌شوند. مدارس و معلمان که از کارت‌های تشویقی، غرفه یا ویتترین جوایز و امتیازدهی به رفتارها استفاده می‌کنند، باید با روش‌های ایجاد، تقویت و حفظ رفتار آشنا شوند. در غیر این صورت، این فعالیت‌ها صرفاً در سطح باقی خواهند ماند و در درازمدت اثرات تشویقی خود را از دست خواهند داد.

۳۵ به‌طور معمول، مدارس و معلمان با روش‌های انگیزش بیرونی - و نه مبانی آن - بیشتر آشنا هستند. چرا ادراک انگیزش بیرونی آسان است؟ زیرا نتایج آن واضح و ملموس است، در حالی که ادراک انگیزش درونی چندان ملموس نیست. شاید یکی از دلایل توجه به انگیزش بیرونی همین موضوع باشد. اما به نظر می‌رسد که معلمان و مدارس با اصلاح رویه‌های رایج، باید جهت‌گیری خود